

شیوه‌های تفسیر موضوعی قرآن کریم

محمد علی رضایی اصفهانی^۱

چکیده

در این مقاله شیوه مطالعات موضوعی قرآن که تفسیر موضوعی نامیده می‌شود، بررسی می‌شود و پیشینه آن در احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و بحار الانوار علامه مجلسی ردیابی شده و سپس به سه قسم تقسیم شده است: اول، تفسیر موضوعی درون قرآنی (شیوه سنتی) و دوم، تفسیر موضوعی تطبیقی (بین شیعه و سنی و بین قرآن و کتب مقدس) و سوم، تفسیر موضوعی میان‌رشته‌ای که در دهه‌های اخیر بین قرآن و علوم روز در زمینه‌هایی چون سیاسی، اقتصادی و تربیتی مورد توجه قرار گرفته است.

فرآیند تفسیر موضوعی و آسیب‌های آن همچون تقطیع آیات و غفلت از قرائن، و تحمیل دیدگاه‌ها بر قرآن از دیگر موضوعات مورد بررسی در این مقاله است.

کلید واژه‌ها: قرآن، تفسیر موضوعی، روش تفسیر

۱. مفهوم‌شناسی تفسیر موضوعی

روش مطالعه، تحقیق و تفسیر موضوعی در برابر روش مطالعه، تحقیق و تفسیر ترتیبی قرار دارد. هنگامی که در مطالعات و تحقیقات قرآنی چینش آیات (ترتیب مصحف یا ترتیب نزول آیات و سوره‌ها) رعایت نشود و مجموعه‌ای از آیات (موافق، مخالف و

مشابه) مربوط به یک موضوع یا مسئله در کنار هم مورد بررسی قرار گیرد، تفسیر موضوعی حاصل می‌شود.

آیه الله مکارم تفسیر موضوعی را این گونه تعریف می‌کند که آیات مختلفی درباره یک موضوع که در مواضع مختلف قرآن آمده است، جمع آوری و جمع بندی شود و از مجموع آن، نظر قرآن درباره آن موضوع و ابعاد آن روشن گردد (نک: پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی، ۲۱/۱).

این شیوه مطالعه قرآنی را «تفسیر موضوعی» نامیده‌اند؛ چرا که از یک موضوع شروع می‌کنیم و نظر قرآن را در مورد آن جستجو می‌کنیم. این شیوه را «تفسیر توحیدی» نامند؛ چرا که آن بین تجربه بشر و قرآن جمع می‌کند و یک نظریه واحد را در زمینه موضوع ارایه می‌کند. گاهی این شیوه را «تفسیر تقطیعی» هم می‌نامند؛ چرا که در این شیوه آیات قرآن تقطیع می‌شود و جدای از آیات قبل و بعد سوره بررسی می‌گردد (نک: منطق تفسیر قرآن (۲)، ۳۸۲).

۲. پیشینه تفسیر موضوعی

مطالعات موضوعی قرآن سابقه طولانی دارد؛ اما رشد تفسیر موضوعی قرآن پدیده‌ای نوآمد به شمار می‌آید که در چند دهه اخیر بالنده شده است.

هنگامی که به میراث مکتوب مفسران قرآن و محدثان مراجعه می‌کنیم، متوجه می‌شویم، در احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) از شیوه مطالعات موضوعی - که نوعی تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر موضوعی نیز به شمار می‌آید- استفاده شده است (نک: مجلسی، بحار الانوار، ۹۴/۷۴ و ۱۱۰؛ مکارم شیرازی، پیام قرآن، ۲۳/۱-۲۷).

در گذشته از این شیوه به صورت کم‌رنگ در میان مفسران استفاده شده است. کتاب‌هایی همچون احکام القرآن، محمد بن صائب کلبی (م ۱۴۶ق) و زبدة البیان محقق اردبیلی، کنزالعرفان فاضل مقداد و فقه القرآن راوندی از پیشگامان مطالعات موضوعی قرآن در مبحث آیات الاحکام به شمار می‌آیند؛ بلکه کتاب‌های فقهی شیعه و اهل سنت که موضوعات قرآنی همچون نماز، روزه، زکات و جز آنها را با توجه به آیات و روایات مورد بررسی قرار می‌داده‌اند، نوعی تفسیر موضوعی به شمار می‌آید.

اما در دو دهه اخیر شیوه تفسیر موضوعی بالندگی خاصی پیدا کرد و تفاسیر متعدد در موضوعات متنوع نگاشته شد. از جمله تفسیر موضوعی منشور جاوید آیه الله جعفر سبحانی، پیام قرآن آیه الله ناصر مکارم شیرازی، معارف قرآن آیه الله محمد تقی مصباح یزدی. از نمونه‌های جدید این شیوه می‌توان از تفاسیر موضوعی ویژه جوانان نام برد که تاکنون چهار مجلد آن منتشر شده است: قرآن و هنر علی نصیری، اعجازها و شگفتی‌های علمی قرآن نویسنده، قرآن و بهداشت روان احمد صادقیان، قرآن و ریاضیات سید مرتضی علوی و باز برخی دیگر همچون قرآن و پلورالیسم محمد حسن قدردان قراملکی و قرآن و سکولاریسم از همو.

۳. اقسام تفسیر موضوعی قرآن

مطالعات و تفسیر موضوعی قرآن به چند شیوه فرعی قابل تقسیم است.

۳.۱. تحقیق موضوعی درون قرآنی (تفسیر موضوعی سنتی)

این شیوه کهن‌ترین روش مطالعه موضوعی قرآن است که براساس روش تفسیر قرآن به قرآن استوار شده است و محقق می‌کوشد با استفاده از قرائن نقلی درون متنی به معانی و مقاصد آیات پی‌ببرد و نتایج جدیدی به دست آورد.

پیش فرض‌های اساسی این روش تحقیق، حجیت ظواهر قرآن، اعتبار روش تفسیر قرآن به قرآن و اصل عدم اختلاف در آیات قرآن است. هر چند اختلاف ظاهری مثل عام و خاص، مطلق و مفید و مانند آنها در قرآن وجود دارد که این اختلافات ظاهری از طریق تأمل با شیوه موضوعی درون قرآنی بر طرف می‌شود.

بر اساس روایات شیعه و اهل سنت، روش تفسیر درون قرآنی مورد توجه پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در تفسیر قرآن بوده است و نمونه‌های متعددی از آن حکایت شده است. برای مثال از پیامبر (ص) نقل شده است که در مورد مقصود از «ظلم» در آیه «وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ» (الأنعام، ۸۶) به آیه «إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان، ۱۳) استناد کردند و ظلم را به شرک تفسیر کردند (صحیح بخاری، کتاب تفسیر قرآن؛ تفسیر

ابن کثیر، ۴/۴۴۴؛ صفار، بصائر الدرجات، ۱۹۵ و نیز برای موارد دیگر نک: تفسیر صافی، ۱۴/۵؛ وسائل الشیعه، ۵/۵۳۸؛ منطق تفسیر قرآن (۲)، (۲۵) که همین مطلب جواز و اعتبار این روش تحقیقی را اثبات می‌کند.

لکن بیش از آن دلایل دیگری نیز بر اعتبار روش تحقیق درون قرآنی وجود دارد؛ از جمله آیات قرآن، مثل آیه ۷ آل عمران، «مِنْهُ آيَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرٌ مُّتَشَابِهَاتٌ» که لازمه عمل به آن و ارجاع متشابهات به محکمات، استفاده از روش تحقیق درون قرآنی است و نیز شیوه عقلایی در تحقیق هر کتاب آن است که نخست از روش درون کتابی استفاده می‌کنند تا مقصود نویسندگانه را دریابند.

روش مطالعات و تفسیر موضوعی درون قرآنی در روش تفسیر قرآن به قرآن کاربرد گسترده دارد و گاهی موجب تخصص، تقیید، توضیح آیات می‌شود. تفسیر میزان علامه طباطبایی به صورت گسترده از این روش استفاده کرده است.

در سال‌های اخیر کتاب‌های متعددی بر اساس این شیوه نگاشته شده است؛ از جمله تفسیر موضوعی پیام قرآن آیه الله مکارم شیرازی و منشور جاوید آیه الله سبحانی.

البته روش مطالعات درون قرآنی در علوم قرآن نیز کاربرد دارد؛ برای مثال برای حل مشکل متشابهات قرآن باید آنها را به محکمات ارجاع دهیم که این یک قاعده مستفاده از قرآن (آل عمران، ۷) است و با روش درون قرآنی انجام می‌گیرد. نیز در مورد تاریخ قرآن می‌توان بخشی از آن را از آیات قرآن استفاده کرد. برای مثال در مورد مبدأ نزول قرآن در شب قدر (القدر، ۱) و در ماه رمضان (البقره، ۱۸۵) می‌توان از آیات قرآن بهره برد.

روش مطالعات و تفسیر موضوعی درون قرآنی در غالب آیات و موضوعات قرآنی کاربرد دارد؛ برای مثال در مورد صفحه اول سوره بقره، موضوعاتی همچون کتاب، هدایت، تقوا (متقین)، غیب، ایمان، نزول، فلاح (مفلحون)، رزق، انفاق، همگی قابل بررسی به صورت درون قرآنی است؛ یعنی آیات موافق و مشابه در قرآن مورد بررسی قرار گیرد. حتی برخی موضوعات قرآنی مثل جزئیات معاد و

بهشت و دوزخ و آیات الاحکام جز با روش نقلی (درون قرآنی و حدیثی) قابل دسترسی نیست.

البته روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن، به شیوه درون قرآنی منحصر نیست؛ یعنی گاهی ممکن است در تفسیر آیات از روش‌های دیگر نیز استفاده شود و حتی ممکن است در یک آیه از دو شیوه درون قرآنی و برون قرآنی استفاده شود؛ برای مثال در مورد آیه «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (الفتح، ۱۰) هم می‌توان از آیه «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (الشوری، ۱۱) استفاده کرد و هم از برهان عقلی مبنی بر این که خدا جسم نیست و در هر دو صورت به یک نتیجه می‌رسیم که ظاهر واژه «ید» یعنی دست جسمانی مراد آیه نیست.

اما مطالعات درون قرآنی در برخی موضوعات قرآنی مثل اثبات وجود خدا، نبوت عامه و اعجاز قرآن قابل استفاده نیست؛ چون با مشکل دور رو به رو می‌شود. شیوه مطالعات و تفسیر موضوعی درون قرآنی در تفسیر و علوم قرآن ممکن است به چند آسیب دچار شود که پژوهشگر قرآنی می‌تواند با دقت در موارد استفاده، از آنها پرهیز کند.

۱. مشکل دور: استفاده از روش درون قرآنی در مورد برخی موضوعات مثل اثبات خدا، نبوت عامه، عصمت پیامبر(ص)، اعجاز قرآن و... موجب دور می‌شود؛ چون پژوهشگر برای اثبات عصمت پیامبر(ص) به آیات قرآن استدلال می‌کند که استدلال به آیات متوقف بر اثبات اعتبار و حجیت آیات است و اعتبار و حیانی و حجیت آیات متوقف بر عصمت پیامبر(ص) است.

بنابراین در این گونه موارد لازم است، پژوهشگر قرآنی، با استدلال به دلایل برون قرآنی مسئله را اثبات کند و دلایل قرآنی ارشادی خواهد بود.

البته مانعی ندارد که ما از یک استدلال عقلی که در متن قرآن است وجود خدا یا توحید را اثبات کنیم؛ برای نمونه، از آیه «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (الأنبياء، ۲۲) که حاکی از وحدت و هماهنگی حاکم بر جهان و در بردارنده برهان تمانع است و یا از آیه «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (النساء، ۸۲) اعجاز قرآن را اثبات کنیم. چون اشاره به استدلال و تحلیل عقلی است؛ نه صرف تعبد به آیه.

۲. مشکل حصر گرایی: همان طور که گذشت، روش مطالعات درون قرآنی در تفسیر و علوم قرآن انحصاری نیست؛ ولی ممکن است کسی گمان کند که روش فهم تفسیر و علوم قرآن به روش درون قرآنی منحصر است که در این صورت پژوهشگر خود را از روش‌های دیگر تحقیق محروم می‌سازد و نمی‌تواند تصویر کاملی از مطالعات قرآنی خود به دست آورد و حتی برخی آیات قرآن مثل آیات الاحکام دچار اجمال می‌شود و بدون استفاده از شیوه نقلی برون قرآنی تفسیر جزئیات آنها به دست نمی‌آید.

از برخی موضع‌گیری‌های نقل شده از گروه قرآنیون و نیز ظاهر برخی از کلمات علامه طباطبایی در المیزان همین حصرگرایی استفاده می‌شود (نک: المیزان، ۸۹/۳، ذیل آیه ۷-۹ آل عمران)؛ ولی با دقت در سخنان دیگر علامه این مشکل از ساحت ایشان بر طرف می‌شود (نک: المیزان، ۲۶۲/۱۲-۲۶۱).

در شیوه تفسیر موضوعی برای بررسی هر موضوع قرآنی به آیات زیر توجه می‌شود:

۱. آیات مشابه در لفظ و محتوا؛

۲. آیات مخالف در لفظ و محتوا؛

۳. آیات مرتبط با موضوع.

برای مثال برای بررسی موضوع «انفاق» در قرآن لازم است، آیات حاوی کلمات مشابه لفظ انفاق مثل ینفقون، تنفقون بررسی شود؛ سپس آیات مشابه محتوای انفاق مثل «قرض الحسنه»، «بر» و مانند آنها بررسی شود؛ پس از آن، آیاتی که از انفاق نهی می‌کند، مثل «لَا تُنْفِقُوا عَلٰی مَنْ عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ» (المنفقون، ۷).

نیز آیات مرتبط با موضوع مثل آیات مربوط به فقراء، مساکین، اغنیاء، مواد غذایی و جز آنها بررسی شود.

۲.۳. تفسیر موضوعی برون قرآنی

پایه‌گذار این شیوه شهید صدر رحمه الله است (نک: محمد باقر صدر، مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن، ۱۹-۲۰؛ همو، انسان مسئول و تاریخ ساز، ترجمه فولادوند،

۸؛ محمد باقر حکیم، تفسیر سوره حمد، ۹۴؛ علیرضا صدر الدینی، کلیدهای فهم قرآن، ۸۶/۲؛ مجموعه آثار شهید صدر، ۲۷/۱۳، مقاله التفسیر القرآنی بین التجزئی و الموضوعی).

ایشان با طرح این مسئله که باید در تفسیر موضوعی، موضوعات را از متن جامعه گرفت، یعنی نیازها و مشکلات را به صورت پرسش به محضر قرآن عرضه کنیم و با جمع آوری آیات مرتبط و تفسیر موضوعی آنها پاسخ خود را دریافت نماییم. بر همین اساس در دهه اخیر تفاسیر موضوعی جدیدی در زمینه قرآن و پلورالیسم، قرآن و سکولاریسم، قرآن و هنر و جز آنها شکل گرفته است که ذکر آنها رفت. پیش فرض اساسی این شیوه تحقیق و تفسیر موضوعی آن است که قرآن در همه عصرها و مکانها پاسخ گوی نیازهای هدایتی بشر است.

بر این اساس بسیاری از موضوعات جدید که در عرصه زندگی و فرهنگ بشر پیدا می شود و می تواند موضوع تحقیق از منظر قرآن قرار گیرد. برای نمونه، بررسی دیدگاه قرآن در مورد دموکراسی، بررسی دیدگاه قرآن در مورد شبیه سازی انسان و جز این ها. البته باید محقق در این موارد بدون پیش داوری و پیش فرض وارد شود و آیات موافق و مخالف را جمع آوری و تفسیر و بررسی کند و نظر نهایی قرآن را اعلام نماید. پژوهشگر در این قسم تفسیر موضوعی می تواند از روش های تفسیری مختلف و قرائن عقلی و نقلی دیگر مثل روایات استفاده کند و نظر نهایی اسلام را در مورد موضوع مورد بحث اعلام نماید. برای مثال، محمد حسن قدردان قراملکی در کتاب «قرآن و سکولاریسم» و «قرآن و پلورالیسم» از این شیوه استفاده کرده است.

۳.۳. تفسیر موضوعی تطبیقی قرآن (yduits evitarapmoc)

روش مطالعه تطبیقی را این گونه تعریف کرده اند: «شناخت یک پدیدار یا دیدگاه در پرتو مقایسه (فهم و تبیین مواضع خلاف و وفاق)».

پس مفاهیم اصلی و سازنده مطالعه تطبیقی عبارت است از:

- شناخت یک پدیدار یا دیدگاه که هدف مطالعه تطبیقی است.

- بررسی مقایسه‌ای، که شیوه‌ای برای نیل به شناخت چند وجهی است.
 - فهم و تبیین مواضع خلاف و وفاق واقعی بین امور مورد مقایسه که این مطلب در حقیقت روش نیل به رکن اول است (نک: قراملکی، ۲۵۵-۲۵۴).
 امتیاز اساسی روش تحقیق تطبیقی آن است که محقق را از حصر گرایی فراتر می‌برد و امکان وقوف بر ابعاد ناپیدای موضوع مورد تحقیق را فراهم می‌سازد و چشم را بر خلل‌ها و مسایل بیناتر می‌کند؛ اما رویکرد مستقیم (غیر تطبیقی) در شناخت یک امر، فرد را از دیدن ابعاد مختلف آن محروم می‌سازد و او را سطحی‌نگر می‌کند.
 در مطالعات تطبیقی لازم است دامنه تطبیق روشن شود، که عوامل مختلفی در تحدید آن نقش دارد؛ از جمله: توانایی فردی، امکانات پژوهشی، قابلیت تطبیق و... گاهی تفسیر دو کشور با هم مقایسه می‌شود و گاهی دیدگاه دو مفسر یا دو مذهب تفسیری و گاهی دو متن و کتاب.

فرایند مطالعه تطبیقی عبارت است از:

۱. تعریف مسئله؛
۲. تحدید دامنه تطبیق؛
۳. استقصای حداکثری وجوه و موارد تمایز و تشابه (حتی ظاهری)؛
۴. عبور از موارد تشابه و تفاوت ظاهری به مواضع خلاف و وفاق واقعی؛
۵. تبیین مواضع خلاف و وفاق؛

مهم‌ترین و سخت‌ترین مرحله مطالعه تطبیقی عبور از مشابهت‌ها و تفاوت‌های ظاهری، به خلاف و وفاق واقعی است و نیز عبور از موارد جزئی به مواضع عام و کلی. برای مثال گاهی یک لفظ در دو علم یکسان است؛ اما معانی متفاوت دارد؛ مثل لفظ «قیاس» در منطق به معنای استدلال همراه با صغری و کبری، و در علم فقه به معنای تمثیل، و نیز لفظ محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ در نزد مذاهب و مکاتب تفسیری که معانی مختلفی از آن اراده شده است و یا حتی لفظ «تأویل» که در نزد قدمای مفسران (مثل تفسیر طبری) به معنای تفسیر آمده، ولی در نظر مفسران معاصر به معنای مقابل تفسیر (معنای مرجوح همراه با قرینه) به کار رفته است.
 برای عبور از تشابه و تفاوت‌های ظاهری و رسیدن به مواضع خلاف و وفاق، روش‌هایی بیان شده است؛ از جمله:

۱. طرح سؤال اساسی و رخنه‌های معرفتی؛
۲. شناخت پیشینه و بستر معرفتی شکل‌گیری مسئله تحقیق؛
۳. تأمل در مبانی معرفتی (مبادی تصویری و تصدیقی هر گزاره)؛
۴. بررسی دلایل رویکردها و روش‌های موضوع مورد بررسی؛
۵. بررسی لوازم و آثار و نتایج موضوع مورد بررسی؛
۶. بررسی رقبا، امثال و اغیار (شناخت موضوع بوسیله اضداد آن).
۷. پارادایم و نظام فکری (نگرش سیستمی و کل‌گرایی و بررسی هویت جمعی بجای فرد گرایی). (قراملکی، ۲۷۲-۲۵۸ با تلخیص).

البته رابطه مطالعات تطبیقی با مطالعات میان رشته‌ای، عام و خاص من وجه است؛ یعنی ممکن است از مطالعات تطبیقی در روش‌های تحقیق میان رشته‌ای استفاده شود و مصداق هر دو واحد باشد؛ مثل تطبیق دیدگاه‌های قرآن و کیهان‌شناسی در مورد آغاز و پایان جهان.

اما در برخی موارد مطالعات میان رشته‌ای تطبیقی نخواهد بود؛ مثل تحقیقات میان رشته‌ای که برای جهت‌دهی به مبانی علوم و تولید علم جدید صورت می‌گیرد و نیز برخی مطالعات تطبیقی میان رشته‌ای نیست؛ مثل تحقیق در مورد تفسیر آیات ولایت در تفاسیر شیعه و اهل سنت.

از این شیوه در برخی تفاسیر ترتیبی و موضوعی نیز استفاده شده است که همراه کاربردها بدان‌ها اشاره می‌کنیم:

۳.۳.۱. مطالعات تطبیقی بین قرآن و کتب مقدس

برخی از مفسران از دیرباز به مطالعات تطبیقی قرآن و تورات و انجیل توجه کرده‌اند؛ چرا که برخی قصص قرآن به ویژه داستان‌های پیامبران الهی همچون آدم، موسی، عیسی در قرآن و عهدین آمده است و بررسی این موارد می‌تواند نزاهت و برتری قرآن را روشن سازد؛ همان‌طور که مشخص می‌کند، همه این کتاب‌ها یک منبع اصلی به نام وحی الهی دارند؛ منتها برخی مطالب تورات و انجیل تحریف شده است.

علامه بلاغی (۱۲۸۲-۱۳۵۲ق) در تفسیر آلاء الرحمن و کتاب‌های «الرحلة المدرسیة» و «الهدی الی دین المصطفی» است و نیز در تفسیر المیزان ذیل داستان آدم و

حواء و تفاسیر دیگر از روش تطبیقی مذکور استفاده شده است و نیز برخی پایان‌نامه‌ها در مورد قرآن و آپائیشادها (کتاب مقدس هندوها) و موضوعات خاص بین قرآن و عهدین به انجام رسیده است.

برای مثال، طباطبایی ذیل آیات ۳۵ - ۳۹ بقره در مورد آدم و آفرینش حواء و نیز در مورد بهشت آدم و خصوصیات او سخن می‌گوید و این مطالب را به صورت تطبیقی بین قرآن و تورات بررسی می‌کند و حتی روایاتی را می‌آورد که می‌گوید: مار و طاووس یاوران ابلیس در فریب دادن آدم بودند و حواء از دنده چپ آدم آفریده شده است. سپس با نقل مطالب و فصل دوم سفر اول تورات یادآور می‌شود که این روایات از اسرائیلیات است و از تورات گرفته شده است (همو، میزان، ۱۴۰/۱ به بعد)؛ ولی هنوز جای یک بررسی تطبیقی کامل بین قرآن و کتب مقدس دیگر خالی است.

۳.۳. ۲. مطالعات تطبیقی بین شیعه و مذاهب اهل سنت

این شیوه از دیر باز مورد توجه مفسرانی همچون فخر رازی (م ۶۰۶ق) در تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) بوده است. او دیدگاه‌های تفسیری و کلامی شیعه و اهل سنت را در تفسیر خود نقد و بررسی کرده است. همان‌طور که آلوسی در روح المعانی در مواردی به تفسیر تطبیقی همت گماشته است.

در تفاسیر شیعه نیز از دیرباز ذیل آیات ولایت و آیات جبر و تفویض به دیدگاه‌های اهل سنت (معتزله و اشاعره) توجه شده است همانگونه که گاهی در تفسیر مجمع البیان طبرسی و تبیان شیخ طوسی و روض الجنان ابوالفتوح رازی می‌بینیم و در عصر ما نیز تفسیر میزان به این شیوه توجه کرده است. در علوم قرآن نیز از مباحث نسخ، محکم و متشابه و جمع قرآن و... از دیدگاه فریقین مورد بررسی قرار گرفته و می‌گیرد. و «البیان فی تفسیر القرآن» آیه الله خویی رحمه الله «و التمهید فی علوم القرآن» علامه معرفت رحمه الله از نمونه‌های بارز این شیوه تطبیقی است.

و در دهه اخیر این روش تحقیق و مطالعه تفاسیر قرآن مورد توجه ویژه قرار گرفته است. و نخستین کتاب را با نام «تفسیر تطبیقی» دکتر فتح الله نجار زادگان در مرکز جهانی علوم اسلامی به رشته تحریر در آورد. در عصر ما تفسیر ارزشمند «التفسیر الاثری الجامع» مرحوم علامه معرفت، از نمونه‌های بارز تفسیر تطبیقی روایی است که

برخی مجلدات آن منتشر شده است. روش مطالعه تطبیقی گاهی تحت عنوان «مقارن» نیز نامیده می‌شود. البته این نام در «فقه مقارن» بیشتر کاربرد دارد. محقق در این روش به تحقیق و مطالعه در مورد دیدگاه‌ها و دلایل مشترک و متفاوت مفسران و صاحب‌نظران شیعه و سنی در مورد تفسیر آیات و مباحث علوم قرآن می‌پردازند، و با نقد و بررسی، به ارزیابی آراء و دلایل آن‌ها می‌پردازند. بیشترین کاربرد این شیوه تحقیقی در آیات مورد اختلاف شیعه و سنی مثل آیات ولایت (مائده / ۳ - مائده / ۶۷ - احزاب / ۳۳ و ...) و آیات احکام (مثل آیه وضو، مائده / ۶) و آیات جبر و تفویض و اخیراً آیات توحید و شرک است. و نیز آیه محکم و متشابه (آل عمران / ۷) و آیات مشهور به ناسخ و منسوخ و مبحث جمع قرآن و... در علوم قرآن از نمونه‌های دیگر این تحقیقی تطبیقی است. این روش در مطالعات موضوعی و ترتیبی قرآن کاربرد دارد، ولی کاربرد آن در دهه‌های اخیر در تفاسیر موضوعی بیشتر هویدا شده است. که حداقل در دو حوزه خود را نشان داده است. مثال: شفاعت و توحید و شرک در تفاسیر شیعه و اهل سنت. در این مورد می‌توان از کتاب «تفسیر تطبیقی» دکتر فتح الله بخارزادگان و «آیین وهابیت» آیه الله سبحانی و تفسیر موضوعی منشور جاوید از ایشان یاد کرد، که از شیوه تفسیر موضوعی بین مذاهب اسلامی استفاده کرده‌اند.

۳.۴. تفسیر موضوعی میان رشته‌ای قرآن

روش تحقیق و مطالعه میان رشته‌ای، یعنی بررسی یک موضوع یا مسئله از دیدگاه دو دانش. البته در اینجا دو دانش و رشته مرتبط با قرآن است؛ یعنی در مسایل چندتباری که لازم است در چند رشته علمی (تفسیر و علوم دیگر) مورد مطالعه قرار گیرد.

مطالعات میان رشته‌ای را اینگونه تعریف کرده‌اند: «مطالعات میان رشته‌ای کثرت‌گرایی روش شناختی مبتنی بر گفت و گو و چالش موثر بین گستره‌ها در تحلیل مسأله‌ای واحد است. به دیگر سخن، شناخت یک پدیدار در پرتو گفت و گوی موثر بین رهیافت‌های دانش‌های مختلف است.» (قراملکی،

یکی از حوزه‌های تحقیقات قرآنی، مطالعات بین تفسیر قرآن و علوم تجربی است که از دیرباز مورد توجه مفسران قرآن و برخی صاحب نظران و متخصصان علوم طبیعی و انسانی بوده است.

نخستین نمونه‌های تفسیر مطالعات میان رشته‌ای را می‌توان در آثار بوعلی سینا یافت.

شیخ الرئیس ابن سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ ق)، فیلسوف و پزشک مشهور ایرانی؛ او واژه «عرش» در آیه «وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ» (حاقه / ۱۷) را به فلک الافلاک (فلک نهم هیئت بطلمیوسی) تفسیر کرده است و «ملائکه» هشت‌گانه را به افلاک هشت‌گانه (قمر، خورشید، زهره؛ عطارد، زحل، مشتری، مریخ و فلک ثوابت) تفسیر نموده است. (ابن سینا، ۱۹۰۸، ۱۲۴ و ذهبی، ۱۹۷۶، ج ۲، ۴۲۶)

فخر رازی (م ۶۰۶ ق) در تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، برخی مطالب علمی را با آیات قرآن تطبیق کرده است. او با آیه «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا» (بقره / ۲۲) استدلال می‌کند که زمین، ساکن است. (رازی، ۱۴۱۱، ج ۲، ۹۴) وی در ذیل آیه ۱۶۴ سوره بقره، فلکیات قدیم و آرای بطلمیوس و قدمای هند و چین و بابل و مصر و روم و شام را مورد بررسی قرار می‌دهد.

علامه محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق)، صاحب کتاب بحارالانوار، در برخی از مجلدات این کتاب، مطالبی پیرامون آسمانها آورده و در موارد متعددی تفسیر علمی کرده است؛ از جمله در مورد آیه ۲۹ سوره بقره می‌گوید:

سبع سموات [در آیه شریفه] بدل یا تفسیر [سما] است و هفت گانه بودن آسمانها، منافاتی با نه‌گانه بودن آنها - که در علم نجوم ثابت شده است - ندارد؛ زیرا آسمان هشتم و نهم در زبان دینی، به کرسی و عرش، تعبیر شده است. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵، ۵۷)

طنطاوی (متولد ۱۸۶۲ م)، صاحب تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن به صورت گسترده به تفسیر علمی پرداخته است؛ تفسیر ایشان را می‌توان اوج استفاده از علوم در تفسیر قرآن نامید. او در موارد متعدد، از علوم مختلف در تفسیر قرآن استفاده کرده است؛ از جمله، علم احضار ارواح را از آیات مربوط به گاو بنی اسرائیل (بقره / ۷۲ -

۶۷) استخراج کرده است. وی در هر مبحث تفسیری بسیاری از علوم جدید را در لابه‌لای تفسیر آورده است (طنطاوی، بی تا، ج ۱، ۸۹ - ۸۴).

دکتر محمد بن احمد الاسکندرانی، صاحب کتاب کشف الاسرار النورانیة القرآنیة فی ما يتعلق بالاجرام السماویة والارضیة والحيوانات والنبات والجواهر المعدنیة (چاپ ۱۸۸۰ م)؛ می‌باشد که از پیشگامان تفسیر علمی در عصر جدید است.

عبدالرزاق نوفل از نویسندگان مصری که حداقل پنج کتاب در مورد تفسیر علمی نوشته است که عبارتند از: القرآن و العلم الحدیث، الله و العلم الحدیث، الاسلام و العلم الحدیث، بین الدین و العلم... .

البته برخی صاحب نظران مثل علامه طباطبائی ؛ با روش علمی تطبیقی مخالفت کرده و می‌نویسند:

«انما الکلام فی أنّ ما آورده علی مسالک السلف من المفسرین «انّ ذلك تطبيقاً وليس بتفسیر» وارد بعینه علی طریقتهم فی التفسیر»؛ (طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱، ۸ - ۷ با تلخیص) آن اشکالی که بر روش تفسیر علمای گذشته وارد کرده‌اند که تفسیر نیست، بلکه تطبیق است (همان اشکال)، بر ایشان نیز وارد است.

البته خود علامه نیز، در تفسیر بعضی از آیات قرآن، از علوم تجربی و نتایج آنها کمک می‌گیرد؛ چنانکه در ذیل آیه شریفه «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ»؛ (انبیاء / ۳۰) «و حیات هر چیزی را از آب قرار دادیم»، می‌فرماید:

منظور این است که آب، دخالت کاملی در وجود هر موجود زنده‌ای دارد... و در بحثهای علمی جدید، ارتباط حیات با آب واضح شده است. (انبیاء / ۳۰)

ایشان در ذیل آیه شریفه «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (ذاریات / ۴۷) می‌فرماید:

مراد، توسعه خلقت آسمان است؛ همان‌طور که علوم ریاضی، امروزه به این مسئله نظر دارند. (طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱۸، ۳۸۲)

این دو نوع برخورد علامه و دیگر صاحب نظران با تفسیر علمی، بدین جهت است که تفسیر علمی، چند نوع مختلف دارد مثل: استخراج همه علوم از قرآن، تطبیق

نظریه‌های علمی بر قرآن، استخدام علوم در فهم قرآن که همگی، یک حکم واحد ندارند؛ از این رو، علامه در شمار قائلان به تفصیل در تفسیر علمی محسوب می‌شود.

لازم به یادآوری است که: روش تفسیر علمی اگر به صورت استخراج همه علوم از ظواهر قرآن باشد، معتبر نخواهد بود چون مبنای آن مخدوش است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵، ۳۷۸)

و اگر به صورت تطبیق علوم بر قرآن باشد اگر منتهی به تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن شود (باطل و ممنوع است چون) نوعی تفسیر به رأی است. ولی اگر صرف مقایسه دیدگاه‌های دانشمندان علوم تجربی با آیات قرآن در یک موضوع، مثل آغاز و فرجام آفرینش، باشد مانعی ندارد. بلکه گاهی به روشن‌تر شدن معنای آیات علمی قرآن می‌انجامد و حتی گاهی اعجاز علمی قرآن را به اثبات می‌رساند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۱)

محقق در مطالعه میان رشته‌ای پای بند اصول زیر است:

۱. دیگران نیز شاید از حقیقت برخوردار باشند.
۲. سخن دیگران را باید با همدلی و در عین حال، نقادانه شنید.
۳. چالش بین دیدگاه‌ها، مجالی برای چالش بین رویکردهاست.
۴. در چالش بین رهیافت‌ها، می‌توان از روش‌های مطالعه تطبیقی بهره جست. (همان،

ص ۳۳۷)

مسئله‌ای نیازمند مطالعات میان رشته‌ای است که چندتباری (snegiroelpitlum) باشد. مسئله چندتباری، به دلیل کثیر الاضلاع و ذوبتون بودن، ریشه در علوم مختلف دوانده است (همان، ۲۳۵). پس در مسائل و موضوعاتی که یک تباری است، شیوه مطالعات و تحقیقات میان رشته‌ای کاربرد ندارد.

برای مثال «خودکشی» پدیده‌ای است که عوامل مختلف دارد: عوامل جامعه شناختی، فرهنگی و جز آنها از جمله مطالب دینی در پیش‌گیری از آن موثر است در قرآن آمده است: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (البقرة، ۱۹۵).

پس برای تبیین دقیق این مسئله چندتباری، محتاج مطالعه میان‌رشته‌ای هستیم. مثال دیگر، «کارکردهای دین» و کارکردهای آموزه‌های قرآنی است که تبیین دقیق آنها محتاج

روش هایی همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و تمدن، فلسفه دین، الهیات و مانند آنهاست. همان طور که با ابزارهای تجربی و تحلیلی، قابل تحلیل است (همان، ۲۳۵-۲۳۶).

در عصر حاضر مطالعات میان رشته‌ای در مورد قرآن بسیار مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. چرا که در چند مورد مفید و مؤثر است:

۱. تفسیر آیات علمی و تبیین موضوعات علمی قرآن؛

۲. جهت دهی به مبانی علوم بویژه علوم انسانی؛

۳. رفع توهم تعارض علم و دین؛

۴. نظریه‌پردازی‌های علمی قرآنی؛

۵. تولید علم جدید؛ شکل‌گیری دانش‌های بین رشته‌ای همان‌طور که امروزه روان‌شناسی دین و جامعه‌شناسی دین شکل گرفته است.

مطالعات و تحقیقات میان رشته‌ای قرآنی در حوزه‌های مختلف علوم بشری شکل گرفته است از جمله:

اول، در حوزه علوم طبیعی، مثل قرآن و بهداشت، قرآن و نجوم (کیهان‌شناسی) قرآن و علوم پزشکی و مانند آنها.

دوم، در حوزه علوم انسانی، مثل قرآن و روان‌شناسی، قرآن و علوم تربیتی، قرآن و جامعه‌شناسی، قرآن و اقتصاد، قرآن و سیاست، قرآن و حقوق، قرآن و هنر و مانند آنها.

سوم، در حوزه علوم عقلی مثل قرآن و فلسفه، قرآن و کلام و قرآن و ریاضیات؛

چهارم، در حوزه علوم شهودی، مثل قرآن و عرفان و مانند آنها.

این شیوه مطالعاتی و تحقیقاتی، مبانی و قواعد و آسیب‌های خاص خود را دارد که در اینجا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

الف. جواز و حجیت تفسیر علمی: از آنجا که مفسر قرآن، در تفسیر آیات مطالب

را به خدا نسبت می‌دهد، نیازمند دلایل و قرائن قطعی و علمی است که گاهی از آیات

دیگر قرآن و روایات معصومین (ع) و برهان‌های عقلی اخذ می‌شود. یافته‌های علوم نیز

هر گاه قطعی یا اطمینان‌آور شود، می‌تواند قرینه فهم و تفسیر آیات قرار گیرد و تفسیر

قرآن با آنها جایز است و از آنجا که حجیت علم قطعی ذاتی است، چنین تفسیری معتبر و حجّت است.

شایان ذکر است که هر چند مطالب قطعی و اطمینان‌آور در علوم طبیعی و انسانی اندک است، ولی این به اصل مطلب زیان نمی‌زند.

البته سرچشمه‌های تفسیر علمی را در احادیث اهل بیت (ع) و تفاسیر قرآن در طول اعصار (رضائی اصفهانی، ۳۴۶-۲۹۲) نیز می‌توان یافت؛ از این رو روایات کیهان‌شناسی، طبّی، اقتصادی، حکومتی و سیاسی و جز آنها در میراث اسلامی فراوان وجود دارد. هر چند که نیازمند پالایش است؛ ولی فی الجمله سیره مستمره متصل به سیره معصومین (ع) را در این مورد نشان می‌دهد که در مورد بسیاری از آیات و مطالب قرآنی، مباحث علمی طرح کرده‌اند.

ب. ممنوعیت کاربرد غیرعلم و علمی در تفسیر آیات: البته این یکی از مبانی تفسیر است که در مورد تفسیر علمی باید بدان توجه ویژه کرد.

تفسیر قرآن کشف معانی و مقاصد آیات و بیان آنها است. به عبارت دیگر بیان مراد استعمالی و جدی خدا در آیات قرآن است و این کشف و بیان نیاز به دلیل و قرینه دارد؛ ولی از هر قرینه و دلیلی نمی‌توان برای تفسیر آیات قرآن استفاده کرد؛ چرا که برخی را عقل نمی‌پذیرد و برخی از طرف شارع ممنوع شده است؛ از این رو لازم است، اعتبار دلایل و قرائن در تفسیر ارزیابی شود.

هر دلیل یقینی و علمی، قطع آور است و حجیت قطع ذاتی است، (مظفر، ۲۱/۳)؛ بنابراین اگر دلیل و قرینه یقینی برای تفسیر آیه‌ای وجود داشت، تفسیر قرآن براساس آن جایز است.

هر چند که اکثر مطالب علوم تجربی، نظریه‌های علمی است و قطع آور نیست، اما برخی از مطالب علوم تجربی که به حدّ بداهت حسّی رسیده است یا با دلیل عقلی همچون ریاضیات پشتیبانی می‌شود، می‌تواند یقینی باشد.

برای مثال گردی و حرکت زمین و نیروی جاذبه آن از مواردی است که در عصر ما به حد بداهت حسّی رسیده است. پس می‌توان آیات قرآن را براساس آنها تفسیر کرد.

ج. گستره و قلمرو قرآن و علوم: در اینجا می‌توان از سه دیدگاه حداکثری (وجود همه جزئیات علوم در قرآن) و دیدگاه حداقلی (نفی مطالب علمی از قرآن) و دیدگاه اعتدالی یاد کرد. چرا که از طرفی از ظاهر برخی آیات مثل «وَتَزَكِّيْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تَبَيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (النحل، ۸۹) استفاده کرده‌اند که همه جزئیات علوم بشری در قرآن وجود دارد؛ ولی برخی دانشمندان و مفسران بر اساس آیات دیگر و قرائن لُبِّی (عقلی) بیان کرده‌اند که مقصود از آیه آن است که کلیات مطالب مربوط به هدایت بشر در ظواهر قرآن وجود دارد.

از طرف دیگر برخی قرآن را کتاب آخرت و بی‌ارتباط با مباحث علمی دانسته‌اند و از طرف سوم می‌توان دیدگاه اعتدالی را طرح کرد، یعنی نباید انتظار داشته باشیم همه جزئیات علوم بشری را از قرآن به دست آورد؛ بلکه قرآن خطوط کلی را در زمینه هدایت بشر به سوی خدا بیان کرده است؛ ولی قرآن در همین زمینه اشارات زیادی به علوم طبیعی، انسانی، عقلی و عرفانی دارد.

این خطوط اساسی و اشارات علمی می‌تواند در جهت دهی به علوم بشری به ویژه علوم انسانی مؤثر شود تا آنجا که به تولید علم جدید منتهی گردد.

درخور یادآوری است که هدف هدایتی قرآن با علوم انسانی مثل علوم تربیتی، سیاسی و مانند آنها گره خورده است؛ از این رو تعامل زیادی با آنها دارد؛ اما در مورد برخی علوم مثل علوم طبیعی، ارتباط کم‌تر است.

د. قرآن و علم، رابطه سازگارانه دارند: در مورد رابطه قرآن و علوم تجربی چند فرض قابل تصور است: اول، جدایی مطلق علم و قرآن؛ دوم، رابطه ناسازگارانه؛ سوم، تعارض علم و قرآن؛ چهارم، رابطه سازگارانه (تعامل علم و قرآن).

با اندک تأملی در آیات قرآن و تشویق آنها به علم و کاربرد پیش از هفتصد بار ماده علم در قرآن و بیش از هزار آیه قرآن که اشاره به علوم تجربی دارد، می‌توان دریافت که فرض اول و دوم باطل است؛ بنابراین مباحث علم ستیز در قرآن نیست؛ بلکه مباحث قرآن علم‌پذیر یا فراعلم است.

ه. تعارض واقعی بین قرآن و علم وجود ندارد: اگر تعارض ظاهری بین آنها پدیدار شود، با اندک تأملی برطرف می‌شود. به عبارت دیگر، در موارد تعارض یکی از

دو احتمال وجود دارد: یک، خطا در مقدمات علم تجربی؛ دو، خطا در فهم دلالت آیه قرآن.

بنابراین در هنگام تعارض ظاهری باید به دنبال راه حل‌های منطقی و معقول باشیم. برای مثال اگر بر فرض گزاره قرآنی «سَبْعَ سَمَوَاتٍ» (البقره، ۲۹) با یافته‌های کیهان‌شناسی در مورد وجود یک آسمان معارض شد، به چند صورت می‌توان این توهم تعارض را حل کرد. البته ممکن است هر کدام از این راهکارها در برخی آیات قرآن مفیدتر باشد:

یکی آن که ممکن است واژه «سبع» عدد حقیقی نباشد؛ بلکه عدد کثرت باشد و منظور تعداد زیادی کهکشان باشد و یا واژه «سموات» به معنای جایگاه ستارگان نباشد؛ بلکه به معنای جو زمین باشد، «مثل آیه «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» (البقره، ۲۲).

دوم آن که ممکن است، زبان قرآن و زبان علم در این مورد متفاوت باشد؛ یعنی مقصود از آسمان در کیهان‌شناسی، جایگاه ستارگان و سیارات باشد و منظور از «سما» در قرآن آسمان معنوی باشد؛ همان طور که علامه طباطبائی ذیل آیه «يُدَبِّرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ» (السجده، ۵) احتمال دادند (همو، ۲۴۷/۱۶ و ۳۲۷/۱۹).

سوم آن که ممکن است گفته شود، مسئله هفت آسمان یک حقیقت قرآنی است که هنوز علوم تجربی آن را کشف نکرده‌اند و همه کهکشان‌ها که کشف شده، آسمان اول است. بنابراین می‌توان آن را به صورت نظریه پردازی قرآنی در صحنه علوم تجربی مطرح کنیم و به دنبال شواهد تجربی آن باشیم.

و. هدف اساسی قرآن هدایت به سوی خداست (نه بیان مطالب علوم): قرآن کریم در آیات متعددی به اهداف خود اشاره کرده است و بالاترین هدف خود را هدایت مردم و خارج ساختن آنها از ظلمت‌ها به سوی نور معرفی کرده است (نک: البقره، ۲؛ الأعراف، ۲۰۳؛ یونس، ۵۷)؛ چنان که آمده است: «الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم، ۱)؛ الف، لام، را، [این] کتابی است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، برای این که مردم را به رخصت پروردگارشان، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آوری، به سوی راه (خدای) شکست‌ناپذیر [و] ستوده».

البته اهداف مقدماتی هم چون بشارت، هشدار، شفاء، رحمت و عدالت را نیز مطرح ساخته است (نک: الفرقان، ۱؛ الحديد، ۲۵؛ یونس، ۵۷).

قرآن کل نظام هستی را نیز هدفمند معرفی می کند که کاروان هستی از خدا شروع شده و به سوی در حرکت است (نک: البقره، ۴۶ و ۱۵۶).

توجه به هدفمندی قرآن و هدایت گری آن در فهم و تفسیر قرآن تأثیرات مهمی دارد؛ چون به تفسیر قرآن جهت می دهد؛ یعنی مفسر قرآن به همه آیات با نگاه هدایت گرانه می نگرد و آنها را تفسیر می کند. برای مثال اشارات علمی قرآن و احکام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آن، همگی برای هدایت بشر به سوی خدا تفسیر می شود؛ بنابراین تفسیری از آیات قرآن که با هدایت گری و اهداف قرآن منافات داشته باشد، اعتبار نخواهد داشت.

نتایج

شیوه مطالعات موضوعی قرآن که تفسیر موضوعی نامیده می شود، در احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و بحار الانوار علامه مجلسی سابقه دارد و به سه قسم تقسیم می شود: اول، تفسیر موضوعی درون قرآنی (شیوه سنتی)؛ دوم، تفسیر موضوعی تطبیقی (بین شیعه و سنی و بین قرآن و کتب مقدس) و سوم، تفسیر موضوعی میان رشته ای که در دهه های اخیر بین قرآن و علوم روز در زمینه هایی چون سیاسی، اقتصادی و تربیتی مورد توجه قرار گرفته است.

کتاب شناسی

قرآن کریم

ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۳ق

بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بی جا، ۱۴۱۱ق

حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، داراحیاء التراث العربی،

بیروت، الطبعة الرابعة، بیست جلدی، ۱۳۹۱ق

رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، نشر
جامعه المصطفی‌العالمیة، قم، ۱۳۸۵ش

صفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد(ع)، انتشارات
کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، دوم، ۱۴۰۴ق

طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم،
۱۳۹۳ق

مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار(ع)، مؤسسة الوفاء، بیروت،
لبنان، ۱۴۰۴ق

کاشانی، محمد محسن فیض، تفسیر صافی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۲ق

گروهی از مستشرقان لیدن، دایرة المعارف الاسلامیة، ۱۹۳۳م

مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۷۹ش



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی